این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آیینه نفس

## پناه بردن به خدا هنگام ناراحتی

**مرحوم آیت‌الله فاطمی‌نیا(ره):**
سیدالساجدین(ع) در دعای شریف مکارم الاخلاق می‌فرمایند: «اللَّهُمَّ أَنْتَ عُدَّتِی إِنْ حَزِنْتُ»: خدایا! اگر غصه خوردم و ناراحت بودم، تو ذخیره من هستی. معنای «عُدَّه» چیست؟ چیزی را که از مال، سلاح، پول و آذوقه برای حوادث دهر ذخیره شود، به این عدّه می‌گویند. خدایا «إِنْ حَزِنْتُ» اگر غصه خوردم، تو ذخیره من هستی. آدم غصه‌دار می‌شود، بالاخره بشر هستیم، در این دنیا کسی بی‌غم نباشد. هر زمان غصه داری جداً خدا را باور کن، خدا قادر است برطرف کند. غصه که می‌خورید، به خدا پناه ببرید. در رحمت او باز است.
**منبع: کانال تلگرامی «استاد فاطمی‌نیا(ره)»**

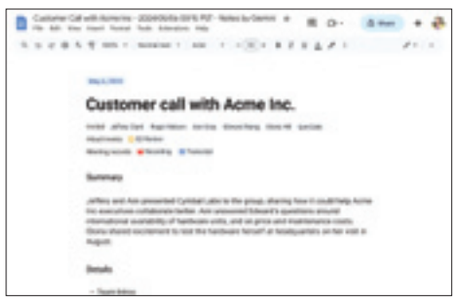


## هوش مصنوعی به گوگل میت پیوست

کاربری با نام «سوده» با انتشار تصویر فوق نوشت: خب دستیار هوش مصنوعی جلسات گوگل میت برای یادداشت‌برداری و خلاصه جلسات به اسم «Take notes for me» داره به گوگل میت اضافه میشه. فعلاً فکر کنم فقط برای زبان انگلیسیه. خروجی هم همچین چیزی تحویل میده. مدیریت زمان و رسیدن به کارهای مهم‌تر یعنی همین.

## کشف دومین الماس بزرگ تاریخ

کانال تلگرامی «کاخ رسانه» نوشت: بلومبرگ از کشف الماس ۲۴۹۲ قیراطی معادل ۴۹۸ گرم در معدنی در ۵۰۰ کیلومتری گابورون پایتخت بوتسوانا در جنوب آفریقا خبر داد. از لحاظ وزن، این دومین الماس بزرگ استخراج شده در تاریخ است. کولینان بزرگ‌ترین الماس دنیا در سال ۱۹۰۵ کشف شد و پیش از تراش بیش از ۶۲۱ گرم وزن داشت. در نهایت بعد از تراش به ۹ قسمت کوچک‌تر تقسیم شد.

## نیازها و خواسته‌ها

احمدحسین شریفی در کانال شخصی خود در پیام‌رسان ایتا نوشت: خواسته‌های انسان پایان‌ناپذیرند. هیچ کس نمی‌تواند همه آنها را تأمین کند بلکه ارضای هر خواسته‌ای خود عامل پیدایش خواسته‌های دیگری نیز است، اما «نیازهای واقعی» انسان چنین نیستند به همین دلیل انسان خردمند اولاً، نیازها و خواسته‌های خود را از هم باز می‌شناسد و آنها را خلط نمی‌کند؛ ثانیاً، تأمین نیازها را فدای پیروی از خواسته‌ها نمی‌کند و ثالثاً، خواسته‌های خود را به سوی خواسته‌های تعالی‌جویانه و معنوی سوق می‌دهد.

## تأثیر عجیب بوسیدن کودکان بر تقویت هوش

کانال تلگرامی «باماما‌ن» نوشت: بر اساس پژوهش‌ها، بوسیدن و به آغوش کشیدن کودک تأثیر قابل توجهی روی تقویت هوشش میذاره. حمایت‌های کلامی و فیزیکی از جمله بوسیدن، باعث در امان موندن کودک از استرس و اضطراب میشه. زمانی که کودک از حمایت پدر و مادرش مطمئن بشه، کارایی مغزش به طرز چشمگیری افزایش پیدا میکنه و قدرت درک و تمرکزش تقویت میشه. کودکی که توی دوران طفولیت حمایت‌های عاطفی پدر و مادرش رو احساس کنه، توی بزرگسالی راحت‌تر با دیگران ارتباط برقرار میکنه.

شبکه‌های اجتماعی سرشار از نام و یاد و سروده‌های محمدعلی بهمنی شد

# اینجا برای از تو نوشتن هوا کم است

**درگذشت شاعر برجسته معاصر استاد محمدعلی بهمنی شبکه‌های اجتماعی را سرشار از سروده‌های او کرد. صفحات اینستاگرامی، توییتر و کانال‌های مختلف مجازی سروده‌هایی از این شاعر بزرگ معاصر را به اشتراک گذاشتند. استاد بهمنی متولد ۲۷ فروردین ۱۳۲۱ بود که حالا در ۹ شهریور ۱۴۰۳ دنیا را بدرود گفته است. در ادامه تلاش کردیم بخش‌هایی از آنچه کاربران به اشتراک گذاشته‌اند، جمع‌بندی و مرور کنیم.**

■ **عباس باقرپور:**
گله‌ای نیست من و فاصله‌ها همزادیم | گاهی از دور تو را خوب ببینم کافی است | من همین قدر که با حال و هوایت گهگاه | برگی از باغچه‌ی شعر بچینم، کافی است | فکر کردن به تو یعنی غزلی شورانگیز | که همین شوق مرا، خوب‌ترینم! کافی است.

■ **تینا امین:**
«زنده‌ها خیلی براش کهنه بودن | خودش رو تو مرده‌ها جا زد و رفت». آقای محمدعلی بهمنی، شاعر دوست‌داشتنی و خاطره‌ساز... رحمت خدا بر او.

■ **احسان بداغی:**
خلاصه‌تر بکن ای مرگ داستانم را | که خسته‌تر نکنم گوشِ دوستانم را | به شیوه‌ای که خلاف آمدی در آن باشد | ـشبیهِ بوسه گرفتن ـبگیر جانم را | تو مرگ نیستی؛ آغازِ تازه‌ها هستی | بیا که با تو بیاغازم؛ آن جهانم را.

■ **محمد اکبرزاده:**
«گفتم بدوم تا تو همه فاصله‌ها را | تا زودتر از واقعه گویم گله‌ها را»، «اینجا برای از تو نوشتن هوا کم است | با همه‌ی بی سر و سامانی‌ام | باز به دنبال پریشانی‌ام»، «بهار بهار، صدا همون صدا بود، صدای شاخه‌ها و ریشه‌ها بود» بدرود شاعر عاشقانه‌های خاطره‌ساز.

■ **سیدعلی پورطباطبایی:**
«رودخونه‌ها رودخونه‌ها منم میخوام راهی بشم | برم به دریا برسم، ماهی بشم، ماهی بشم» و در ۹ شهریور ۱۴۰۳ سراینده این ترانه رفت و به دریا رسید.

■ **نگار کریمی:**
پر نقش تر از فرش دلم بافته‌ای نیست | از بس که گره زد به گره حوصله‌ها را | یک بار هم ای عشق من از عقل میندیش | بگذار که دل حل بکند مسئله ها را...

■ **مرضیه رجبی:**
«کجا دنبال مفهومی برای عشق می‌گردی؟ | که من این واژه را تا صبح معنا می‌کنم هرشب» یا «رودخونه‌ها رودخونه‌ها منم میخوام راهی بشم | برم به دریا برسم، ماهی بشم، ماهی بشم» چقدر خاطره دارم و داریم با شعرش. سفرت سبز یا خوابت خوش آقای محمدعلی بهمنی.

■ **فاطمه موسوی:**
«نشد که لحظه‌ی فرّار مهربان شدنت را | به یادگار، برای همیشه قاب بگیرم» تسلیت به جامعه ادبی.

■ **فاطمه محمدی:**
گر تو مجذوب کجا آباد دنیایی من اما | جذبه‌ای دارم که دنیا را بدینجا می‌کشانم... | عقل یا احساس حق با کیست؟ | پیش از رفتن ای خوب | کاش می‌شد این حقیقت را بدانی یا بدانیم... سفر به سلامت آقای واژه‌ها.

■ **محمدجعفر محمدزاده:**
هنوز زنده‌ام و زنده بودنم خاری است | به چشم‌تنگی نامردم زوال‌پرست.

■ **محمدعلی میرزایی:**
«اینجا برای از تو نوشتن هوا کم است | دنیا برای از تو نوشتن مرا کم است» روحت شاد ان‌شاءالله... غزل‌سّرای شریف...

■ **معصومه بازگیر:**
اول صبح یاد این بیت شما افتادم بی‌اختیار اشک ریختم. آخه هرچی تصویر از شما تو ذهنمه جز لبخند و مهربانی نیست. هرگز یاد ندارم توی جلسه‌ای به کسی با تندی صحبت کرده باشید. روحتون شاد، سفرتون به سلامت استاد. «اگرچه بود و نبودم یکی ست، باز مباد | تو را عذاب دهد گاه جای خالی من»

■ **محمد علیوم:**
در دوران نوجوانی و جوانی، آثار مرحوم ناصر عبداللهی خیلی جذبم می‌کرد. هر مجموعه و قطعه خوبی که از او منتشر می‌شد، می‌گشتم دنبال شاعر و خیلی وقت‌ها می‌رسیدم به یک نام. روحت شاد استاد محمدعلی بهمنی.

■ **مهدی موسوی:**
استاد محمدعلی بهمنی هم رفت. جز مهربانی و خوبی و حمایت از او ندیده بودم. با وجود تمام نقدهایی که گاهی نسبت به بعضی عملکردهای او داشتم و پنهان نمی‌کردم او با غزل‌های ساده و زیبایش در دل مردم تا همیشه ماندگار است.

## هر کس تراپیست ندارد، کات!

دکتر فردین علیخواه در کانال تلگرامی خود نوشت: سال‌ها قبل، در دوران نوجوانی وقتی در سریال‌های تلویزیونی می‌دیدیم که کسی به کارآگاه یا پلیس می‌گوید «من بدون حضور وکیلم حتی کلمه‌ای صحبت نمی‌کنم» یا «لطفاً با وکیلم صحبت کنید» با خودمان می‌گفتیم که اینها چقدر باکلاس‌اند، یعنی یک وکیل همیشه در خدمت آنهاست و در هر موقعیتی به آنها مشورت می‌دهد؟ آن زمان یقین داشتیم که این مزیت یا فرصت، به کشورهای پیشرفته تعلق دارد و اگر هم در ایران باشد متعلق به بالای مثلث جامعه یعنی اقلیتی متمول و داراست. داشتن وکیل از نظر ما نشانه باکلاس بودن و امروزی بودن قلمداد می‌شد. آن زمان در سریال‌ها یا فیلم‌های ایرانی اغلب کسانی که این جمله را بر زبان می‌آوردند کراوات داشتند و کراوات برای ما معنایی نُمادین داشت.

در چند ماه گذشته کم و بیش و تا جایی که فرصت اجازه می‌دهد شبکه‌های اجتماعی را دنبال می‌کنم. احساس می‌کنم کلماتی مانند «تراپیست» و «تراپی» دارند همان مقام و موقعیت وکیل در سریال‌های تلویزیونی را می‌یابند. در واقع کلمه‌ای مانند تراپیست آرام آرام دارد در خدمت «پرستیژسازی» قرار می‌گیرد و نشانه‌ای از «باکلاس بودن» و تعلق داشتن به «قشر خاص» قلمداد می‌شود. شاید اشتباه کنم ولی حتی احساس می‌کنم این کلمه با «زبان بدن» خاصی ادا و قبل و بعد از آن فضایی خالی ایجاد می‌شود تا کلمه بی‌کم‌وکاست شنیده شود. برخی با گفتن تراپیست، انتظار احترام بیشتری دارند و وقتی تراپیست دارند احساس می‌کنند بیشتر خوشبخت‌اند.

تراپیست داشتن یا مراجعه برای درمان، دارد جنبه‌ای مصرفی به خودش می‌گیرد. همانطور که افراد با مصرف برخی کالاها و خدمات، برای خود هویتی متمایز و منفرد می‌سازند و تلاش می‌کنند مرتبه طبقاتی خود را ارتقا دهند کلمه تراپیست هم به تدریج دارد تبدیل به کالا یا خدمتی مصرفی می‌شود که یکی از کارکردهای آن ارتقای مرتبه طبقاتی و قرار گرفتن فرد در زمره افراد «باکلاس» است. نکته قابل تأمل آنکه (طنز یا جدی) برخی افراد در شبکه‌های اجتماعی می‌نویسند: «کسی که تراپیست نداره رو باید باهاش کلاً کات کرد.» این نوع جمله‌ها یادآور جمله‌های مشابهی درباره سطح یا موقعیت طبقاتی است، اینکه «کسی که هم‌شأن و هم‌مرتبه ما نیست درخور رابطه با ما نیست.»

اینکه هم اکنون گروه مرجع یا الگوی جامعه چه کسانی هستند و اینکه آیا می‌توان گفت رفتارهای فرهنگی همچنان از اقشار متمول، دارا و بالا شهری جامعه تقلید می‌شود بحث پیچیده‌ای است که در این نوشته کوتاه وارد آن نمی‌شوم ولی گمان جامعه شناختی من آن است که سریال‌های یکی دو سال اخیر در گسترش وضعیتی که من فعلاً آن را «فرهنگ تراپ» (therapculture) می‌نامم نقش داشته‌اند. تأیید چنین گمانی بی‌شک نیازمند پژوهش‌های علمی است. سلبریتی‌ها در جریان‌سازی فرهنگی نقش دارند. سلبریتی‌ها کم و بیش بر حیات فرهنگی جامعه اثرگذارند، هر چند معتقدم این اثرگذاری‌ها بستگی به شرایط و موقعیت‌های مختلف و بزنگاه‌های هر جامعه دارد ولی به آسانی نمی‌توان نقش سلبریتی‌ها را در الگوسازی نادیده گرفت. سلبریتی‌ها همچنان به شکلی بالقوه منبع تقلید برخی از گروه‌های اجتماعی هستند.

بی‌گمان اقناع جامعه برای آنکه در صورت بروز مشکلات روانی و رفتاری به کلینیک‌های روانشناسی و به تراپیست‌ها مراجعه کند گامی بی‌نهایت مثبت برای بهبود امور است. امیدوارم این نوشته به معنای مخالفت نویسنده با چنین مراجعاتی تلقی نشود که اساساً مقصود آن نیست. من این وضعیت را مترقی و مثبت می‌بینم. این وضع نشان می‌دهد جامعه به‌تدریج از درمان روان انگزدایی می‌کند، با این وجود هر پدیده مثبتی می‌تواند به مسیرهای نادرست کشیده شود.

تبدیل تراپیست به مشخصه طبقاتی و تبدیل نفس مراجعه برای درمان به شاخصی برای کسب پرستیژ از جمله این انحراف‌هاست. تبدیل تراپی به کالایی برای فروش و کسب افتخار، مانند نگارش کلمات با روکش طلا روی سنگ‌مزار است. به یاد دارم که یکی از دانشجویانم که ساکن یکی از کلانشهرهای کشور بود می‌گفت: «با فخر فروشی به دوستان تهرانی‌ام می‌گویم حالا ما هم مانند شما باکلاس شدیم. ما هم برای آلودگی هوا تعطیل می‌شویم. هوای شهر ما هم آلوده است، آسمان شهر ما هم مانند آسمان تهران سیاه است.» دقیقاً به همین دلیل باید نسبت به تبدیل روان‌درمانی و تراپی به کالایی مصرفی برای کسب پرستیژ نگران بود. کم نیستند افرادی که علاقه‌ای به کالا یا خدماتی ندارند ولی صرفاً برای کسب پرستیژ آن کالا را خریداری می‌کنند تا شاخص کسب منزلت را به دست آورند. سرایت چنین وضعیتی به موضوع روان‌درمانی، فعالیتی حرفه‌ای را به کالایی یک‌بار مصرف و بی‌اثر تبدیل خواهد کرد. رنج نباید مایه افتخار ما باشد.

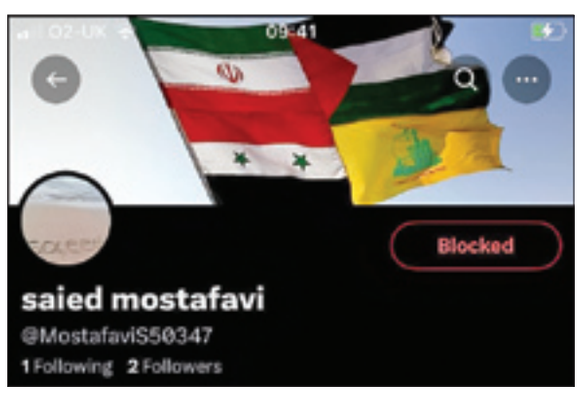


## لشکرسازی منافقین برای تفرقه‌افکنی

سیدعطاءالله مهاجرانی در توییتی نوشت: جماعتی مثل مور و ملخ در توییتر پیدا شدند که ظواهر و نشانه‌های حزب‌اللهی و انقلابی دارند، اما به پزشکیان و دولت او و همکاران او اهانت می‌کنند. تعداد فالوورها در همین حد است که می‌بینید. به نظرم اینها یا از تل آویو و همان مقر ۸هزار و ۲۰۰ هدایت می‌شوند یا از آلبانی و البته عربی-عبری.

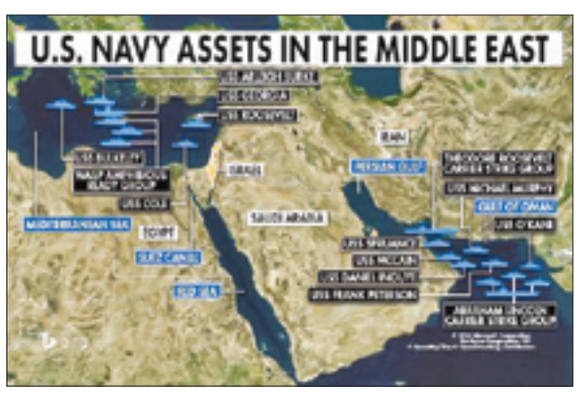


## امریکا می‌داند ایران شوخی ندارد

پوریا فاضل در توییتی نوشت: ایالات متحده بهتر از هرکس می‌داند تمام ناوها تأکید می‌کنم، تمام ناوهای او در تیررس ایران است؛ در صورت هرگونه درگیری با ایران یعنی اهداف مشروع و راحت‌الحلقوم موشک‌های ایرانی. ایران با وجود عین الاسد شوخی نداشت با ناوها هم نخواهد داشت، اما تأسف برای اذهان خودتحقیر.

## چرا فهرست کارهای روزانه به هدف نمی‌رسد؟!

کانال تلگرامی «برنامه‌ریزی و مدیریت زمان» از دلایلی نوشت که مانع تکمیل فهرست کارهای روزانه است. آنچه در این مطلب بدان اشاره‌شده به قرار ذیل است:

**۱) فهرست کارهای خود را صبح می‌نویسید:** فهرست کارهای خود را شب قبل بنویسید. این‌طوری مجبور نیستید انرژی صبح اول وقت خود را صرف برنامه‌ریزی کنید.

**۲) بیش از اندازه می‌نویسید:** فقط سه تا از مهم‌ترین کارهای خود را یادداشت کنید، کارهایی که باید هر طور شده در روز آینده انجام شود.

**۳) دسته‌بندی نمی‌کنید:** وقتی سه کار اصلی و مهم خود را مشخص کردید، همه اهداف خود را در دو لیست دسته‌بندی کنید: اهداف بلندمدت، اهداف هفتگی و کوتاه‌مدت.

**۴) کار خود را به‌طور واضح و روشن نمی‌نویسید:** اگر اهدافتان مبهم و نامعلوم باشد، خروجی کار شما نیز مبهم خواهد بود. کارها را به شکل واضح بنویسید، مثلاً به‌جای کلمه «بانک» جمله «باز کردن حساب پس‌انداز در بانک» را بنویسید.

**۵) اولویت‌بندی نمی‌کنید:** اگر با کاری که اولویت پایین‌تری دارد شروع کنید به احتمال زیاد نمی‌توانید کارهای مهم‌تر را به اتمام برسانید. سه تا از مهم‌ترین کارهای خود را به ترتیب اولویت شماره‌بندی کنید و تمام هدفتان بر این باشد که اولین کار را صبح اول وقت قبل از اینکه ایمیل خود را چک کنید انجام دهید.

**۶) انتظار حوادث غیرمنتظره را ندارید:** هر روز حداقل یک ساعت را برای کارهای غیرمنتظره در نظر بگیرید. در نظر گرفتن چنین زمانی برای حوادث غیرمنتظره استرس شما را کاهش می‌دهد.

**۷) اهداف بزرگ خود را فراموش کرده‌اید:** درباره بزرگ‌ترین هدف خود فکر کنید. مثلاً آیا دوست دارید ارتقای شغلی بگیرید؟ پول خود را برای تعطیلات پس‌انداز کنید؟ اگر کارهای داخل لیست، شما را به آنچه می‌خواهید نمی‌رساند مجدد آنها را ارزیابی کنید و ببینید چرا آنها را داخل لیست آورده‌اید.

## انرژی پاک ۶ سال زودتر به جیب چینی‌ها رفت

کانال تلگرامی «تک‌توب» خبر داد: چین شش سال زودتر از موعد، به میزان انرژی تولید شده از منابع تجدیدپذیری که تعیین کرده بود، رسید! این کشور در ماه پیش ۲۵ گیگاوات انرژی بادی و خورشیدی به ظرفیت تولید انرژی خودش اضافه کرده که مجموع انرژی تولید شده از منابع تجدیدپذیر این کشور رو به ۱۲۰۶ گیگاوات میرسونه. این رقم حدود ۱۴ درصد از کل انرژی تولید شده در این کشور رو شامل میشه. این میزان انرژی از هزار و ۲۰۰ گیگاواتی که حکومت چین در سال ۲۰۲۰ به عنوان هدفی برای رسیدن در سال ۲۰۳۰ تعیین کرده بود، بیشتره و این کشور به لطف سرعت بالای پیاده‌سازی مزارع پنل‌های خورشیدی و توربین‌های بادی، حدود شش سال زودتر به این رسیده!

## راز تلگرام و دیتابیس عجیب آن

کاربری با نام «یاشار» در رشته توییتی نوشت: الان که داشتم درباره تلگرام میخوندم متوجه یه چیز عجیبی شدم. تلگرام یه زیرساخت غیرمتمرکز خیلی جالبی داره، دیتاسنترهاش رو توی کشورهای مختلفی که قوانین قضایی متفاوتی داره پخش کرده. تمام دیتایی که نگهداری میکنه رمز میشن و کلیدهای رمزنگاری هم به بخش‌های مختلفی تیکه تیکه و توی دیتاسنترها پخش شده. تلگرام میگه هیچکدوم از دیتاسنترها کلید رو به شکل کامل نداره و حالا تحت یه پروتکلی این دیتاسنترهای توزیع‌شده با همدیگه کار میکنن. حالا چرا اینکار رو انجام داده؟ جالبیش اینجاست. این باعث میشه یه کشور واحد نتونه به تنهایی تلگرام رو مجبور به دادن دیتا کنه، یعنی فرانسه اگه چیزی رو از تلگرام بخواد باید هر کشوری که دیتاسنتر تلگرام داخلش هست هم بخواد و توافق جمعی و جهانی صورت بگیره که یه چیز خیلی سخت و نشدنیه در حال حاضر. این باعث میشه حتی دو یا سه تا کشور همپیمان هم باز نتونن از تلگرام دیتا بگیرن، چون کشورهای زیادی رو درگیر جریان قضایی با قوانین مختلفی میکنه. توی این حالت حتی اگه یکی با تانک هم وارد دیتاسنتر تلگرام بشه نمیتونه دیتای کسی رو بخونه تا وقتی که خود پاول دروف و تیم تلگرام بخوان.

## بلایی که سندروم «نتیجه فوری» سر زندگی‌هایمان آورده

حمید کثیری در کانال شخصی خود در پیام‌رسان ایتا نوشت: موفقیت نامحدود در ۲۰ روز! ۱۰ کیلو چاقی و لاغری در سه روز! با شغل دوم و کمتر از یک ساعت در روز درآمد بالا داشته شوید! یه چیزی به این بچه من بگید اخلاقش درست بشه! یادگیری زبان در خواب! و...

سندروم نتیجه فوری، جنون سرعت و یک‌شبه ره صد ساله رفتن گریبان جامعه ما را گرفته! ما هم خودمان گرفتار این سندروم هستیم و هم بچه‌هایمان را با این گزاره‌ها بزرگ می‌کنیم و حتی در تربیت دینی هم آن چیزی را برجسته می‌کنیم که جنسش از همین نسخه‌هاست! نسخه‌هایی با نتیجه فوری...

تقویت این نوع نگرش تأثیرات بسیار مخربی بر حوزه مدیریت راهبردی زندگی شخصی، اداری و اجتماعی می‌گذارد. نه در واقعیت و نه در دنیای استراتژی چنین چیزی نداریم: موفقیت آسان، ساده و سریع!

حتی موفقیت سازمان‌ها هم صرفاً حاصل ایده‌ها نیستند! ممکن است فرد یا سازمانی در کوتاه‌مدت به منفعت بزرگی برسد اما عموماً پشت آن تصمیم، سال‌ها تجربه و دانش خوابیده است و در ضمن برای حفظ نتایج در بلندمدت، آن فرد یا سازمان تلاش زیادی باید انجام دهد...

این نقطه‌ای است که در قصه‌های موفقیت هم به آن کمتر پرداخته می‌شود! دقت کنیم سندروم نتیجه فوری حداقل دو پیامد بسیار مخرب دارد:

۱) افق فکری ما را کوتاه می‌کند: ما فکر می‌کنیم یک دستاورد باید در سه ماه به دست بیاید، در غیر اینصورت به زحمتش نمی‌ارزد، بنابراین اصولاً از برنامه‌هایی که مثلاً باید یک سال آنها را دنبال کنیم، استقبال نمی‌کنیم. به همین دلیل هم هیچ‌گاه کارهای بزرگ را شروع نمی‌کنیم.

۲) رها کردن اقدام در میانه راه: فرض کنید تصمیم جدی گرفته‌ایم که زبان انگلیسی را بیاموزیم. چون فکر می‌کنیم یادگیری زبان در ۲۰ روز ممکن است! ۲۰ روز هم وقت می‌گذاریم ولی چون آن وعده واقعیت نداشته است، نیمه‌کاره یادگیری زبان انگلیسی را کنار می‌گذاریم؛ آن هم با سرخوردگی. به همین دلیل هم است که ما هزار کار نیمه‌تمام داریم. هیچ کاری را به انتها نمی‌بریم، چون به اندازه کافی صبور نیستیم.

تصویر منتخب

یکی از عکس‌های الکس داوسون برنده جایزه غواصی
از صفحه توییتری کاربری با نام «الیاس»